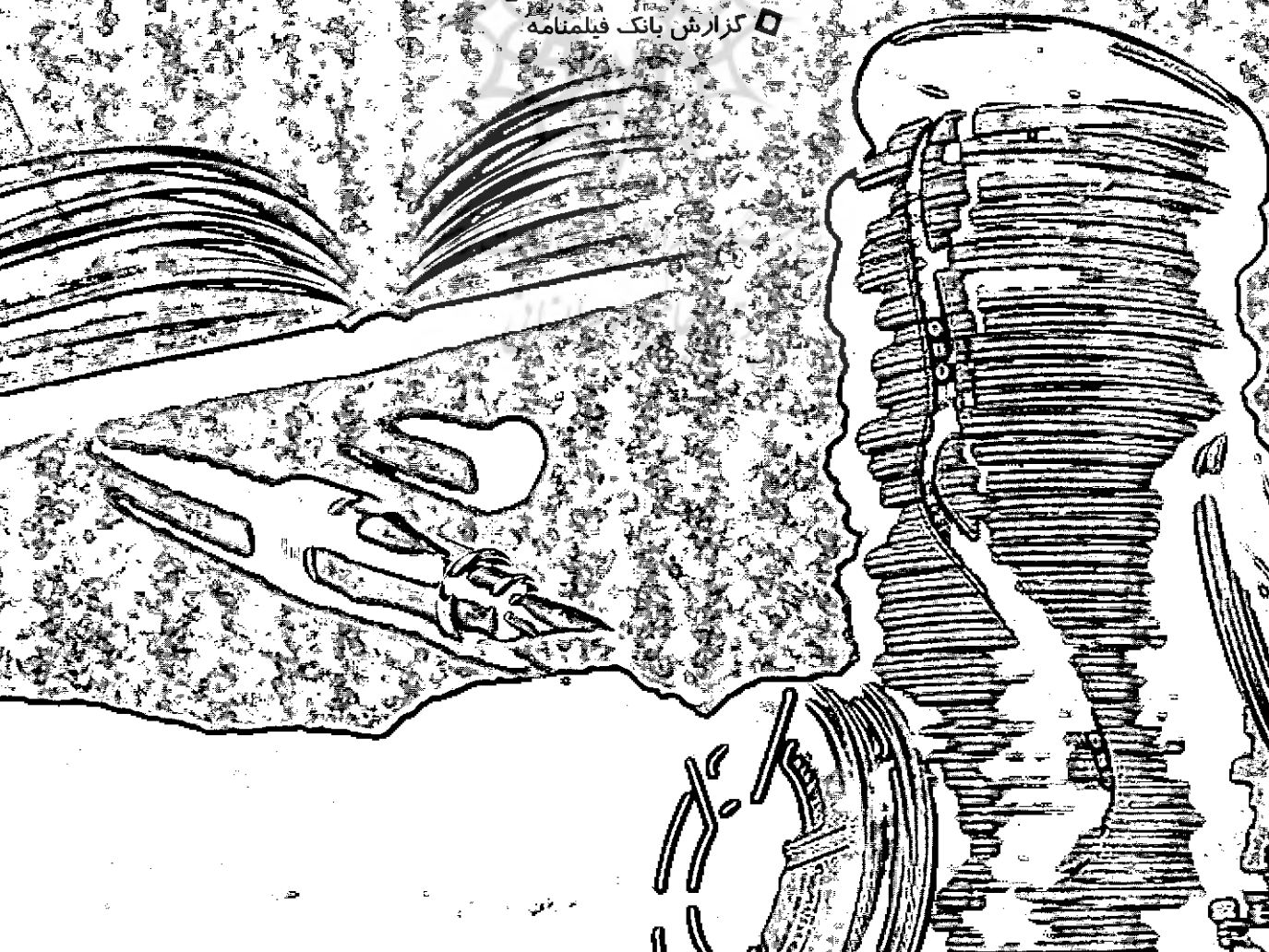
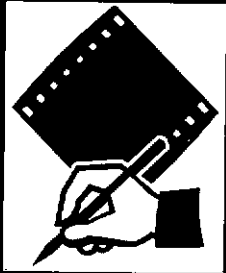


# کارگاه فیلمنامه

با سپاس از آقایان: همایون امامی، جعفر حسینی، امین علی کردی،  
حسن نجفی، شهاب شادمان

- ❑ فیلمنامه‌ی کوتاه (بخش پانزدهم)
- ❑ گفتگوگویی در باب جنبه‌های مختلف سینمای مستند
- ❑ معرفی کتاب: از فیلمنامه تا فیلم
- ❑ بررسی فیلمنامه‌ی روز هشتم (بخش آخر)
- ❑ نمای نزدیک: بررسی فیلم راه
- ❑ اخبار مدرسه‌ی کارگاهی فیلمنامه
- ❑ گزارش بانک فیلمنامه

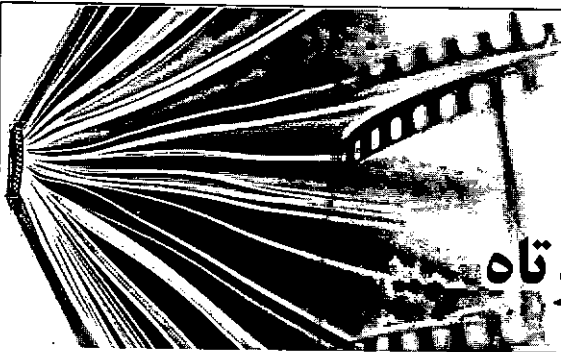




از ایده تا فیلمنامه

# فیلمنامه‌ی کوتاه

جعفر حسینی (بخش یازدهم)



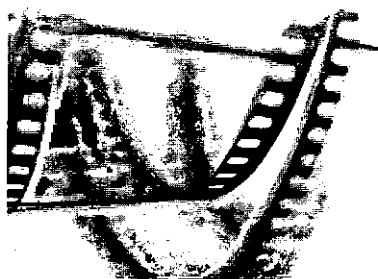
آن‌ها هم‌چنان مایل باشند حرف و دیدگاه یا حتی قصه‌ی خود را در قالب فیلم کوتاه بیان کنند. طبیعی است که در چنین جامعه‌ی سینمایی هر یک از عناصر انسانی صنعت فیلمسازی جایگاه حرفه‌ی خود را خواهند داشت و هیچ یک دیگری را نفی نمی‌کنند.

به نظر من در ایران، فیلمنامه و فیلم کوتاه با سه هدف اولیه به تولید می‌رسد هدف نخست فقط کسب تجربه‌ی کارگردانی است در این شکل فیلمساز معمولاً با سرمایه‌ی شخصی و به سختی شرایط تولید فیلمش را فراهم می‌کند و می‌کوشد فیلمی را به عنوان کارگردان در کارنامه‌ی کاری خود ثبت کند. در این صورت روی فیلمنامه‌ی کار می‌کند که خودش آن را می‌سینند و مناسب افکار و ایده‌های اجرایی خود می‌داند به همین جهت فیلمنامه‌ی که انتخاب کرده - تفاوتی ندارد که نویسنده‌ی فیلمنامه خود او باشد یا شخصی دیگر - حتی اگر از لحاظ محتوایی حرفی قابل تأیید نداشته باشد یا فضایی تلخ و تیره و تار داشته باشد اهمیتی نمی‌دهد هدف بعدی نمایش در جشنواره‌های خارجی است که البته و به هر دلیل، موج آن در سال‌های اخیر کم‌رنگ‌تر شده است. در این شکل فیلمساز به‌عمد به دنبال موضوعات تلخ و فضاهای تیره و تار می‌رود با دوربین خود به دنبال به تصویر کشیدن بلبختی‌ها و زجر و عذاب‌های مردم می‌رود و در این راه حتی بدش نمی‌آید که آن را به شکل بسیار اغراق‌شده‌ی به تصویر بکشد و در نهایت نیز با یأس و ناامیدی به اتمام برساند هدف سوم کسب تجربه‌ی فیلمسازی، نمایش در جشنواره‌ها و ایجاد شناخت به منظور فراهم کردن زمینه‌های کاری فعالیت حرفه‌ی در سینما و تلویزیون است. این فیلمساز می‌کوشد ضمن کسب تجربه‌ی کارگردانی و اعلام حضور، روی فیلمنامه‌ی کار کند که شانس بیش‌تری برای مطرح شدن در جشنواره‌های فیلم کوتاه - در وهله‌ی نخست جشنواره‌های داخلی و در مرحله‌ی بعد جشنواره‌های خارجی - داشته باشد و نام او را در بین دست‌اندرکاران سینما و تلویزیون بر سر زبان‌ها بیندازد.

بمطور معمول در بین فیلمسازان جوان و هنرجویانی که با آن‌ها کار می‌کنم همه‌ی اشکال

ناشی می‌شود که اغلب افراد فیلمنامه‌ی کوتاه را فیلمنامه‌ی غیرحرفه‌ی می‌دانند که نقطه‌ی شروع فیلمسازی حرفه‌ی است به همین علت این افراد معتقدند که فیلمنامه‌ی کوتاه تا آن‌جا که ممکن است باید موجز و فشرده و از نظر تولیدی کم‌هزینه باشد معمولاً این افراد آن‌قدر در این اندیشه غرق می‌شوند که به‌کلی عناصری نظیر قصه، مخاطب و موقعیت اجتماعی فیلمساز را از یاد می‌برند در حالی که فیلمنامه‌ی کوتاه می‌تواند شخصیتی مستقل و مخاطب زیادی داشته باشد همان‌طور که داستان کوتاه چنین است. بسیاری می‌توانند در قالب کار کوتاه موفقیت بیش‌تری کسب کنند حال آن‌که شاید همین افراد در یک فیلم بلند خود را سردرگم و ناتوان نشان دهند همان‌طور که دیده می‌شود برخی از فیلمسازان در مجموعه‌سازی برای تلویزیون بسیار موفق‌تر از ساخت فیلم سینمایی بوده و هستند در ساختار حرفه‌ی فیلمسازی ممکن است کارگردانی که سابقه‌ی تولید چندین فیلم سینمایی را در پرونده‌ی خویش دارد، زمانی تصمیم بگیرد فیلمی کوتاه بسازد در این ساختار ممکن است امکان کار در قالب سینمایی یا مجموعه‌ی تلویزیونی برای فیلمسازان کوتاه نیز میسر باشد اما

**بدیهی است فیلمنامه‌ی  
که فکر و اندیشه و  
دیدگاهی لطیف، تأثیرگذار  
و امیدبخش داشته باشد،  
می‌تواند شما را به جایگاه  
بهتری برساند**



در خصوص فیلمنامه‌ی کوتاه نظرات متفاوتی وجود دارد. تصور می‌کنم چیزی که در فیلمنامه‌ی کوتاه اهمیت زیادی دارد و می‌تواند روی نظر مخاطب تأثیر خوبی بگذارد ایده و فکر آن است. برخی متن‌هایی که نویسندگان جوان می‌نویسند اگرچه چند صفحه بیش‌تر نیست اما مناسب فیلم بلند است. وقتی آن‌ها را می‌خوانی احساس می‌کنی با صفحاتی از یک فیلمنامه‌ی بلند روبه‌رو هستی، گویی کسی نشسته و از لابه‌لای فیلمنامه‌ی هشتاد - نود صفحه‌ی، صفحاتی را جدا کرده و کنار گذاشته، سپس باقیمانده را به عنوان فیلمنامه‌ی کوتاه مطرح کرده است؛ در حالی که این کار نادرست است چرا که آن قصه به‌احتمال نیاز به شخصیت‌پردازی‌های پیچیده، ساختاری با اوج و فرود مناسب و خط سیری متناسب با یک کار بلند دارد. وقتی بخواهیم بدون در نظر گرفتن این عناصر متن را کوتاه کنیم، بدیهی است که کار ناقص و گنگ و نارسا خواهد شد برخی اوقات هم عکس این حالت دیده می‌شود، یعنی فیلمهایی در قطع یک کار سینمایی ساخته می‌شوند در حالی که داستان آن‌ها ظرفیت و کشش بیش از یک فیلم کوتاه ندارد. پس اولین نکته‌ی مهم، انتخاب یک ایده و فکر مناسب برای فیلمنامه‌ی کوتاه است؛ با یافتن این ایده و فکر، خود به خود بخش مهمی از راه پیموده شده است. می‌دانیم که مخاطب کار کوتاه به‌خصوص در ایران انتظار ندارد با ساختار یک اثر کاملاً حرفه‌ی روبه‌رو شود پس اگر ایده‌ی آن به درستی انتخاب شود و کلیت کار گیرایی لازم را داشته باشد می‌تواند بسیاری از نواقص را پوشش دهد.

## تعاریف فیلمنامه‌ی کوتاه

در خصوص فیلمنامه‌ی کوتاه تعاریف گوناگونی وجود دارد؛ برخی از نظریه‌پردازان هر فیلمنامه‌ی که کم‌تر از هفتاد دقیقه باشد را فیلمنامه‌ی کوتاه می‌دانند، برخی دیگر فیلمنامه‌ی کم‌تر از هفتاد دقیقه را نیز به دو بخش کوتاه و نیم‌بلند تقسیم می‌کنند و این در حالی است که وقتی نام فیلمنامه‌ی کوتاه به زبان می‌آید آن چه بیش‌تر در ذهن شنونده شکل می‌گیرد فیلمنامه‌ی است که حداکثر حدود سی دقیقه باشد شاید این فکر بیش‌تر از آن‌جا



فوق را مشاهده می‌کنم. برای مثال به‌تازگی یکی از هنرجویان فیلمنامه‌ی را مطرح کرد که از لحاظ نگارشی فرم بدی نداشت، ساختاری موجز و تصویری داشت اما دیدگاهی شخصی بر آن حاکم بود و فضایی تلخ و تیره داشت. «جوایی درگیر با دنیای مالیخولیایی خود دست به قتل دوستان خویش و در نهایت خودکشی می‌زند». به ایشان گفتم که اگر مصر هستید روی این فیلمنامه کار کنید، این امر تنها می‌تواند برای شما یک تجربه‌ی کارگردانی باشد و نه چیزی دیگر. هرگز به فیلمی چنین سیاه، تلخ و سطحی نگاهی جدی نخواهد شد او شروع به چانه‌زنی کرد، گویی اگر من را راضی کند همه‌ی مشکلات فیلمش حل می‌شود به هر حال فیلم را با هزینه‌ی شخصی ساخت. از لحاظ اجرایی می‌شد نمره‌ی متوسطی برای آن در نظر گرفت اما همچنان همان فضای گنگ و تار و سیاه در فیلم آزاردهنده می‌نمود. وقتی با او صحبت می‌کردم می‌دانستم بعد از ساخت، احساسش تغییر کرده و حالا ترجیح می‌دهد ضمن کسب تجربه‌ی اجرایی و کارگردانی، حرفی برای گفتن داشته باشد تا کارش توسط مخاطبان و اهالی سینما دیده و مطرح شود. هرچند به زبان نمی‌آورد اما حس می‌کردم از کار کردن روی آن فیلمنامه پشیمان شده است!

### جایگاه بهتر فیلمنامه

فیلم برای دیده شدن به تولید می‌رسد یک فیلمساز حتی اگر مهارت خوبی در کارگردانی و به تصویر کشیدن اینهمای خود داشته باشد اما کارش به چشم نیاید، یا به مقصد نمی‌رسد و یا سختی زیادی را متحمل خواهد شد به همین دلیل بهتر است بیش‌ترین انرژی، دقت و صبر و حوصله در مرحله‌ی نگارش فیلمنامه به کار گرفته شود. شما باید مسیر و هدف خود را قبل از هر چیزی روشن کنید و بر اساس آن مسیر آگاهانه در این راه قدم بگذارید. بدیهی است فیلمنامه‌ی که فکر و اندیشه و دیدگاهی لطیف، تأثیرگذار و امیدبخش داشته باشد، می‌تواند شما را به جایگاه بهتری برساند. ایجاز، وجود شخصیت‌های کم، نگاه نو و بکر، کم‌هزینه بودن از نظر تولیدی، آرایه‌ی فکر و دیدگاه و نکاتی از این دست می‌توانند از امتیازات یک فیلمنامه‌ی کوتاه خوب باشند. حتی بعضی از این عوامل می‌توانند شانس تولید یک فیلمنامه را به مراتب بیش‌تر کرده، آن را به اجرا نزدیک سازند. البته نمی‌توان گفت یک فیلمنامه‌ی کوتاه به‌طور حتم باید همه‌ی این عوامل را با هم داشته باشد برای مثال ممکن است فیلمنامه‌ی چندین شخصیت برخوردار یا از نظر تولیدی بغنسب پرهزینه باشد، اما در قالب کار کوتاه قرار بگیرد. در فیلمنامه‌ی کوتاه لازم نیست حتماً ضدقهرمانی داشته باشید که با قهرمان کشش و واکنش داشته

باشد اما به هر حال باید طرح در ابتدا نکته‌ی را مطرح کرده و انتظاری را ایجاد کند تا در نهایت مخاطب بتواند پاسخ انتظارش را بگیرد. اگر غیر از این باشد نمی‌توان تفاوتی بین یک فیلمنامه و بیان یک خاطره قایل شد این نکته و حرف لزوماً حرف بزرگ و عجیبی نیست بلکه می‌تواند نگاهی ظریف و لطیف به یک موضوع باشد چیزی که مردم بارها تجربه کرده اما شاید کم‌تر متوجه آن شده‌اند این حرف می‌تواند بسیار ساده اما گیرا و تأثیرگذار باشد؛ برای مثال به یکی از فیلمهای کوتاهی که در منرسه‌ی کارگاهی فیلمنامه‌نویسی حوزه به تولید رسید اشاره می‌کنم: «در تاریکی شب، ترون خانه‌ی یک پیرزن و پیرمرد را می‌بینیم. پیرزن خواب است و خر و پف می‌کند و پیرمرد کمی آن‌طرف‌تر روی تخت غلت می‌زند، چرا که صدای خر و پف پیرزن آسایش او را بر هم زده است. روی تخت جابه‌جا می‌شود، بالشت را روی گوش خود می‌گذارد و ... فایده‌ی ندارد صبح در حالی که بی‌خوابی از سر و رویش می‌یارد به پیرزن به خاطر خر و پفش اعتراض می‌کند اما پیرزن حرف او را قبول ندارد؛ فکر می‌کند همسرش بی‌دلیل بهانه‌گیری می‌کند صحنه‌ی بعد را می‌بینیم که مجدداً شب است و باز تکرار ماجرای شب پیش. عاقبت پیرمرد فکری به سرش می‌زند؛ برمی‌خیزد و ضبط صوت را بالای سر پیرزن می‌گذارد و دکمه‌ی آن را می‌زند تا صدای زن را ضبط کند، بعد روی تخت خود دراز می‌کشد و به خاطر بی‌خوابی مکرر عاقبت به خواب می‌رود با شروع روز پیرمرد چشم می‌گشاید. به یاد ماجرای شب قبل می‌افتد و با نگرانی به سراغ ضبط می‌رود. آن را روشن می‌کند و با شنیدن صدای ضبط‌شده‌ی خر و پف پیرزن خوشحال می‌شود. پیرزن را صدا می‌زند تا به او ثابت کند که چه صدای آزاردهنده‌ی دارد پیرزن

جواب نمی‌دهد پیرمرد دو مرتبه صدایش می‌کند پیرزن چشم نمی‌گشاید تکانش می‌دهد ... اما فایده‌ی ندارد. پیرزن مرده است! صحنه‌ی بعد باز شب است. سکوت خانه را صدای خر و پف زن می‌شکند. پیرمرد را می‌بینیم که روی تخت بر جای خود دراز کشیده، به سقف زل زده و به آرامی اشک می‌ریزد دوربین حرکت می‌کند و رختخواب پیرزن را نشان می‌دهد پیرمرد به یاد همسرش رختخواب او را پهن کرده و دستگاه پخش صوت را درون رختخواب گذاشته و به صدای خر و پف همسرش گوش می‌دهد و به آرامی اشک می‌ریزد». فیلمنامه‌ی ساده‌ی است: نه درگیری و جیغ و فریاد دارد و نه زد و خورد و قتل و توطئه، اما کاری گیرا و لطیف است و حرفی انسانی می‌زند. این نمونه‌ی از یک فیلم کوتاه خوب است. در این فیلمنامه از همان ابتدا انتظاری برای مخاطب ایجاد می‌شود؛ آیا پیرمرد موفق می‌شود مشکل خود را حل کند؟ آیا او به سکوت و آسایشی که طالب آن است دست می‌یابد؟ مخاطب با این سوالات کار را دنبال می‌کند کاری که چهار - پنج دقیقه بیش‌تر نیست اما در نهایت غافلگیر و شگفت‌زده می‌شود. اتفاقی که شاید هرگز در این لحظه انتظار می‌زند و او را به فکر وامی‌دارد چه خوب است که قدر لحظه‌ها را بدانیم.

در نهایت می‌توانم بگویم فیلمنامه‌ی کوتاه روایتی کوتاه از یک موضوع یا برشی از یک زندگی است. در این روایت ممکن است تنها از تصویر استفاده شود یا تصویر همراه با اصوات و گفت‌وگو باشد فیلمنامه‌ی کوتاه به‌طور معمول یک موضوع را دنبال می‌کند و فاقد قصه یا موضوع فرعی است. فیلمنامه‌ی کوتاه خوب می‌تواند قصه‌ی آن‌چنانی نداشته باشد اما دارای فکر و صحنه‌هایی بکر و گیرا باشد ■